

بر حقیقت دروغ چیزی باشد چه خلاف خبر باشد اگر گویند آنکه چنان است
و اگر نماند و لیکن برای آن تقاطع کند که ندانند که دروغ است ازین وجه ظنا
باشد ابو علی گفت که این خبر خرافاتیم داد در ایشان ایشان در قیامت
گویند و خبره پس از احوال و اعتقاد خود در دنیا که همان چنان بردیم که مادر کلیم
بر عمل و این بتا نیز بر شفاعت می پرستیم و ظن ما بخراب
و اعتقاد ما نیکو بود امروز معبودان ما از ما کم شرع و عمل و عبادت
ما و ایشان باطل شرعند بک قول و الله ربنا کنا مشرکین و قوله
وصل علیهم ما کانوا یفترون و رو بود که ایشان از احوال و
است و خیر گویند چون احوال و اوقات قیامت بر ایشان
در سر که بان عقل ایشان بر جای نماند بمشابهت است و در بیان
بیانش و تری الناس پکاری و ما هم پکاری و لکن عناب اللہ نسیه
قوله تعالی و ینسئهم من یرسمع الیک جعلنا علی قلوبهم
الکذبه ان یفقهوه و سنه اذ نعیم و قمر و ان یرو کل آیه لا یؤمنوا بها
حتی اذا جاءک بآیاتنا یقول الین کفر و ان هذا الا ساطیر الا و لکن
و هسم

و هسم سنهون عنده وینا و ان عنده و ان یملکون الا انفسهم و هس
ابو صفیان و ولید مغیره و عتبه و شیبه و اقی خلف و نظیرین حادث میانند
و حدیث رسول شنیده و قرآن استماع کردند تا آنکه بایکدیگر گفتند چگونه می
دانید این لاکه می ۴ می خوانند و میگویند نفسی گفت این جنس با طریقت
که من باشم میگویم اخبار کز لشکان بسیار یاد داشتی و حکایت کردی
خبر ایضا این آیه رساند و گفت و ازین کافران کس هست که حکایت
تو می شنود و لکن انبیه نهی کند لاجرم عملش حاصل نمی شود پس ایشان
بمشابهت کسی اند که پویشی دارد که مانع بود از آنکه خبری دانند و علم بر راه
یابند از آنکه با کفر و ضلالت الفت دارند و هسم اذان لایسعون بهما و ازین
صبر و تبلیغ تران فی ذالک لذکر فی لمن کان له قلب نفی دل کرد از ایشان
در سالفه نفی عمل گفت دل ندارند برای آنکه دانستن بید چمن این دین
همان اسکار که ندارند و نفی حضور که از ایشان و گفت در نا شنیدن چون
غایبان اند چون مشفق نمی شنوند اسکار که نمی شنوند و چون نمی شنوند اسکار
که خود نیستند حضور و غیبت شان یکجا است ترک دارند کافران نشان یکجا است
سواء حیاهم و مماتهم از ایشان توقع علم چگونه کنی که ایشان گویند که

Copyright © King Saud University